یادداشت روز

مذاکره منطقه‌ای برای زیبانمایی تسلیم

«مذاکره و توافق، تنها راه‌حل ایران است» این خلاصه نظریه و مبنای رفتاری کسانی است که معتقدند حل همه مسائل ایران در گرو انجام مذاکره با غرب و رسیدن با آنان به توافق است. این روزها این نگرش در داخل به نوعی مطرح می‌شود که حساسیت مردمی که در همین دو سال اخیر ناکامی مذاکره و توافق در پرونده‌ای که نزدیک به ۱۵ سال در جریان را شاهد بوده‌اند، کاهش دهد.

خلاصه کلام این طیف این است که درباره تسلیحات و سپاه هرگز با کسی مذاکره نمی‌کنیم و درباره مسائل منطقه‌ای آماده گفت‌وگو هستیم! در خصوص این موضوع نکاتی وجود دارد:

۱- مذاکره با دولت‌ها و گروه‌های شبه دولتی موضوع شناخته شده‌ای است و از آنجا که مبنای روابط خارجی «مذاکره» است، مورد پذیرش عمومی می‌باشد و علی‌الاصول مخالفی ندارد. در این میان مذاکره به عنوان ابزار، کارکرد معین و مشخصی دارد اما در پاره‌ای از اوقات مذاکره به «هدف» تبدیل می‌شود و در پاره‌ای از اوقات هم مذاکره به معنای پذیرش شرایط و مطالبات طرف مقابل است؛ منتها از آنجا که پذیرش بدون مقدمه تحمیلی طرف مقابل واکنش مردم را در پی می‌آورد، این تحمیل با مذاکره بزک می‌شود و در واقع پذیرندگان تحمیل نام آن را با استناد به مذاکره، «توافق» می‌گذارند!

این روش معمولا در جاهایی دنبال می‌شود که «مذاکره» یا همان «تحمیل» تنها راه برون‌رفت از مشکل دیده شده و این در حالی است که چنین روشی نه تنها راه حل نیست بلکه خود مشکل بزرگتری را پدید می‌آورد در حالی که مشکل اول را نیز حل نمی‌کند. به عنوان نمونه نزدیک نگاه کنیم به مذاکرات منتهی به برجام که از یک سو غرب زیاده‌خواه را به طمع بیشتر انداخت و به فشار بیشتر روی آورد و از سوی دیگر حتی مسئله «عادی‌سازی فعالیت هسته‌ای ایران» که از سوی داخلی‌ها، هدف مذاکرات معرفی می‌شد را نیز حل نکرد و امروزه غرب دنبال مطالبات جدید از جمله در پرونده هسته‌ای برای دائمی کردن تعهدات ایران یعنی توقف هرگونه فعالیت هسته‌ای است.

۲- ایـن روزها شـاهد ادبیاتی با اجزاء متمایز از سـوی نظریه‌پردازان و دنبال‌کنندگان مذاکره با غرب هستیم. آنان از یک سو با یک ژست انقلابی که مصرف داخلی دارد، وانمود می‌کنند که با هرگونه اعمال فشار بر سپاه پاسداران و نیز هرگونه محدودیت علیه برنامه‌های نظامی ایران مخالف بوده و اجازه گفت‌وگو در این موارد را به کسی نمی‌دهند و از سوی دیگر همزمان زمزمه لزوم مذاکره پیرامون مسائل منطقه‌ای - یعنی حمایت ایران از ملت‌ها و دولت‌ها در برابر اشغال و تروریزم تکفیری - را مطرح می‌کنند! تو گویی مطالبات غرب و در واقع زیاده‌خواهی‌های غرب درباره مسائل نظامی ایران، سپاه پاسداران و مسائل منطقه‌ای قابل تفکیک بوده و این امکان وجود دارد که ایران در پاسخ به بعضی نه و در پاسخ به بعضی دیگر آری بگوید! اما وقتی به این سه موضوع نگاه می‌کنیم می‌بینیم این سه کاملا به هم مرتبط هستند و پاسخ آری به یکی به پاسخ آری به دو مورد دیگر منتهی می‌شود. از قضا در این نقشه راه، برخلاف سر و صدایی که در حمایت از سپاه راه انداخته‌اند، مدعیان می‌خواهند به موضوعی پاسخ «آری» بدهند که پاسخ آری به دو موضوع دیگر را در پی می‌آورد.

همه می‌دانیم که ریشه تقابل غرب با سپاه، تسلیحات ایران، هسته‌ای و... در نفوذ منطقه‌ای ایران خلاصه می‌شود و در واقع به برنامه‌ای که مانع سیطره غرب بر این منطقه حساس و پیش‌بردن برنامه غرب می‌باشد، باز می‌گردد. آن موقع هم که غرب با برنامه هسته‌ای و به عبارتی با پیشرفت علمی ایران مخالفت می‌کرد به خاطر آن بود که یک ایران توانمند و مجهز به فن‌آوری روز نفوذ و مطلوبیت بیشتری در منطقه پیدا می‌کند. مسئله غرب در منطقه این است که علیرغم اعزام صدها هزار نیروی جنگی به منطقه و اشغال پرهزینه دو کشور - افغانستان و عراق - و صرف صدها میلیارد دلار و زیرپا گذاشتن انواعی از معاهدات بین‌المللی و هنجارهای جهانی قادر به سیطره بر منطقه نشده و امروز در روند تحولات سیاسی و امنیتی آن به حاشیه رفته است. غرب، ایران را مانع اصلی و عامل مستمر شکست‌های پی در پی خود در منطقه می‌داند و معتقد است تا حضور فعال ایران در منطقه وجود دارد، غرب قادر به پیگیری سیاست‌های تجاوزکارانه‌اش نیست. بنابراین دغدغه اصلی غرب چیزی جز سامان دادن به این مشکل نیست.

بعضی در داخل به درستی می‌دانند که مشکل اصلی غرب با ما پس از هویت اسلامی نظام، نفوذ پرطنین منطقه‌ای ایران است و لذا نمی‌توان آنان را به ساده‌لوحی متهم کرد و طبعا نمی‌توان به اندرز دادن آنان به عنوان راهی برای اصلاح «خطای دید» دل بست. آنان به دقت می‌دانند مسئله چیست و پیشنهاد یا به تعبیری «دستور کار» آنان چه معنایی داشته و چه نتایجی را در پی می‌آورد. آنان برای موجه جلوه دادن ادعای خود به فریبکاری روی آورده‌اند؛ «ژست انقلابی برای رساندن غرب زیاده‌خواه به هدف اصلی خود».

۳- اگر ایران بپذیرد که درباره مسائل منطقه‌ای با غرب باب گفت‌وگو و در واقع باب به تاراج گذاشتن سرمایه مسلمانان منطقه از جمله سرمایه خود را باز کنند باید اولا راجع به نیروهایی که طی ده‌ها سال گذشته به مرور این سرمایه را برای مسلمانان و کشور پدید آورده‌اند، تن به سازش بدهد و آنها همان نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. از سوی دیگر اگر بحث راجع به سپاه آغاز شود، بحث راجع به سلاح سپاه هم آغاز می‌شود و سپس می‌بینیم که بحث از منطقه به هیچ وجه فارغ از بحث سپاه و سلاح نیست. و به همین دلیل باید گفت آنان که علی‌الظاهر از سپاه و سلاح به گونه‌ای حمایت می‌کنند که تو گویی از رهبری هم در این مورد انقلابی‌تر شده‌اند و همزمان و بطور علنی و البته فعلا خیلی مجمل می‌گویند چه اشکالی دارد که درباره سوریه، عراق، یمن و افغانستان حرف اروپایی‌ها را بشنویم، در حال اجرای نقشه راهی هستند که هر آنچه مربوط به قدرت ملت‌های منطقه و ایران است در این نقشه راه وجود دارد آنهم نه برای اینکه بده بستانی صورت گیرد بلکه برای آنکه همه را تقدیم کرده و به خیال خام یا خدای نکرده خیانت‌آلود خود، خلاص شوند! چه اینکه بده‌بستان ماهیت دو جانبه‌ای دارد چیزی داده و چیزی ستانده می‌شود اما در اینجا از تحقق بخش دوم خبری نیست کما اینکه در بحث هسته‌ای از بخش دوم خبری نشد و این همه در حالی است که اگر بپذیریم که در پرونده اول خطایی صورت گرفته است نمی‌توانیم تکرار آن در پرونده‌های دیگر را خطا حساب کنیم.

۴- دنبال‌کنندگان این رویه در ژستی عقلایی و منفعت‌نمایانه و برای آنکه کارشان با مانع داخلی مواجه نشود و نیز عده‌ای را به هوای رسیدن به وضعی بهتر با خود همراه گردانند، می‌گویند الان زمان آن است که دستاوردهای منطقه‌ای خود را نقد کرده و به حساب نیازهای اقتصادی و تنگناهای معیشتی مردم واریز نمائیم. اینها می‌گویند ما در حال حاضر از یک سو در اقتدار منطقه‌ای در اوج هستیم و از سوی دیگر آمریکا و اروپا در شرایطی به سر می‌برند که بینشان شکاف وجود دارد ما در این شرایط اگر نتوانیم معامله را پنجاه‌پنجاه کنیم می‌توانیم ۷۰ به ۳۰ کنیم و با آن ۳۰ که به دست می‌آوریم، مشکلات مردم را حل کنیم و توصیه می‌کنند که بشتابیم تا با تغییر شرایط ناگزیر نباشیم به معامله‌ای ۹۰ به ۱۰ تن دهیم و در واقع چیزی بدست نیاوریم!

یادمان نرفته است همین‌ها که امروز می‌گویند ما در بهترین شرایط منطقه‌ای قرار گرفته‌ایم، شش‌سال پیش فضاسازی می‌کردند که حمایت ما از سوریه و دولت بشاراسد به جایی نمی‌رسد و جز خسارت برای ما حاصلی ندارد و چهار سال پیش یعنی زمانی که ایران برحفظ نظام مردم‌سالار عراق تاکید می‌کرد و وابستگان آمریکا در عراق و منطقه به این دلیل ایران را زیر ضربات سنگین گرفته بودند، همین‌ها که امروز علی‌الظاهر با تحسین به اقتدار منطقه‌ای ایران نگاه می‌کنند، در آن روزها حمایت از مردم و دولت عراق را به دلیل ناخرسندی عربستان و اردن و ترکیه برای ایران خسارت‌بار و سبب انزوای ایران تبلیغ می‌کردند.

اما در اینجا چند نکته کلیدی وجود دارد، نکته اول این است که فشار داخلی روی اقتدار منطقه‌ای ایران حتما بخش مهمی از پروژه مشترک آمریکا و اروپا برای خلع ید ایران و در واقع برای خلع‌ید دولت‌ها و ملت‌های منطقه از اقتدار خویش است. بر این اساس هرگز نباید گمان کرد که این داعیه داخلی تجزیه و تحلیلی شخصی از این و آن فرد و یا تجزیه و تحلیلی مبتنی بر حل مشکلات داخلی ایران است. نکته دوم این است که این آقایان اگر دیروز صرفا از واگذاری سرمایه ایران به غرب حرف می‌زدند، امروز از سپردن سرمایه ملت‌های منطقه به غرب حرف می‌زنند و در واقع از ملتی که همه افتخارش این است که با «انقلاب پرشکوه اسلامی» خود، منطقه را به میزان زیادی از سیطره غرب خارج کرده است، می‌خواهند راهبری واگذاری منطقه به غرب را به دست بگیرد! ما واقعا باید از این آقایان سؤال کنیم که مگر ملت‌های منطقه زرخرید شما هستند که شما می‌گوئید بیایید در یک معامله ۷۰ به ۳۰ آنان را به آمریکا و انگلیس بفروشید؟ ملت مظلوم یمن به شما چه؟ ملت و دولت سوریه به شما چه؟ ملت و دولت عراق به شما چه؟ شما چه حقی دارید که درباره ملت‌های دیگر تصمیم بگیرید و آنان را به زیر زنجیر آمریکا و انگلیس برگردانید؟ این در حالی است که اگر یک سر این زنجیر در لبنان باشد سر دیگر زنجیر در پاکستان و افغانستان خواهد بود و ایران نیز در زنجیرکین‌ورزی غرب قرار می‌گیرد. که البته هرگز چنین تحمیلی را ملت ایران اجازه نخواهند داد و آنچه از چنین اذهانی تراوش می‌کند را به دیوار می‌کوبد.

۵- در این بین این آقایان می‌گویند یا مذاکره و توافق یا جنگ! دراین بین گاهی می‌گویند اگر مسایل فی‌مابین ایران و غرب - و در واقع داعیه پایان‌ناپذیر آمریکا - را حل نکنیم باید به استقبال جنگ برویم گاهی هم می‌گویند اگر توافق نکنیم و رضایت آمریکا و عربستان را جلب ننماییم، باید برای مدت مدیدی شاهد وقوع جنگ‌های پیاپی در منطقه باشیم خب جدای از اینکه در این سخنان اعتراف به ماهیت جنگ‌طلب غرب وجود دارد، نوعی فریبکاری هم به چشم می‌آید. تجربه سال‌های اخیر منطقه در لبنان، در عراق و در سوریه این است که اگر بایستیم جنگ‌ها مهار می‌شوند و اگر ضعف نشان دهیم جنگ‌ها یکی پس از دیگری شعله‌ور می‌شوند. می‌ایستیم برای اینکه جرأت تحمیل جنگی پیدا نکنند.

سعدالله زارعی

آن همه هیاهو برای هیچ بود!

افتتاح دفتر توتال در آمریکا برای هماهنگی با تحریم‌ها علیه ایران

سرویس سیاسی-

اگرچه مدیرعامل شرکت توتال چند ماه پیش در هنگام عقد قرارداد در تهران گفته بود که ما برای حضور در ایران به اجازه آمریکایی‌ها احتیاجی نداریم اما به تازگی دفتری در واشنگتن برای هماهنگی بیشتر با سیاست‌های تحریمی آمریکا در قبال ایران تاسیس کرده است.

«من می‌دانم که مردم ایران اهمیت زیادی به تاریخ می‌دهند و تاریخ همچنین نشانه‌ای از وفاداری است، همچنین مطلع هستم که همه شما می‌دانید فعالیت‌های توتال در ایران تاریخی طولانی دارد و ما سال‌ها با شرکت ملی نفت ایران در پروژه‌های نفت و گاز مشارکت داشته ایم.»

اینها جملات «پاتریک پویان» مدیرعامل شرکت توتال است که در مراسم امضای قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی و خطاب به وزیر نفت ایران گفته شد. مدیرعامل توتال در ادامه گفته بود: «می توانم به شما تضمین دهم که توتال برای ۲۰ سال و بیشتر به کشور شما متعهد خواهد بود و دوم اینکه در این قرارداد، رهبری کنسرسیوم و مدیریت پروژه با توتال است که این برای حداکثر کردن تولید مفید است؛ زیرا دقیقا چیزی است که یک شرکت بزرگ نفت و گاز همچون توتال باید آن را برای کشورها محقق کند.»

فریبکاری توتال

با وجود همه اظهارات فریبنده مدیرعامل توتال در روزهای گذشته خبری مبنی بر تاسیس دفتری در واشنگتن توسط توتال منتشر شد. دفتری که هدف از تاسیسش هماهنگی با دولت آمریکا بر سر تحریم ایران است. این‌ها را خبرگزاری انگلیس بیان کرد.

خبرگزاری رویترز نوشت؛ در حالی که شرکت توتال خود را برای سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری در ایران آماده می‌کند، این شرکت فرانسوی در تلاش برای تقویت روابط خود با دولت آمریکا، دفتری در واشنگتن افتتاح کرده است. همان پاتریک پویان، مدیرعامل شرکت توتال فرانسه که هنگام قرارداد با وزارت نفت ایران از وفاداری سخن گفته بود، این بار با تأیید اینکه این شرکت یک دفتر روابط دولتی در آمریکا افتتاح کرده گفت: «ما باید مدتها قبل این کار را می‌کردیم.»

یک مقایسه ساده

پویان با بیان اینکه توتال از هر گونه تحریمی که مانع از فعالیت این شرکت در تهران شود تبعیت می‌کند افزود، تهران «می‌داند که اگر ما نتوانیم کار را ادامه دهیم، این به دلیل تصمیم دولت آمریکاست.»

این گزارش می‌افزاید؛ به گفته یک منبع آگاه در توتال، دفتر شرکت توتال در واشنگتن که ۵ نفر کارمند خواهد داشت، به هماهنگی روابط این شرکت با خزانه دار و وزارت خارجه آمریکا کمک خواهد کرد تا اطمینان حاصل کند که توتال همچنان به تبعیت از هرگونه تغییرات اعمال شده در رژیم تحریم‌های دولت آمریکا ادامه می‌دهد. این اظهارات اخیر مدیرعامل شرکت فرانسوی توتال را با اظهارات چند ماه قبل او مقایسه کنید. خبرگزاری دولتی ایسنا در گزارشی به تاریخ ۱۲تیر ۱۳۹۶یعنی همان هنگام که پاتریک پویان برای عقد قرارداد به تهران آمده بود، نوشت: «مدیرعامل توتال درباره چراغ سبز از آمریکا و یا دیگر سیاستمداران برای ورود به این پروژه، گفت: توتال یک شرکت خصوصی است، ما با مسئولان سیاسی مذاکره داشته‌ایم و به آنها گفته‌ایم که برای امضای قرارداد می‌رویم، اما به اجازه آنها احتیاجی نداریم!»

«فعلا» در ایران هستیم!

در ماه جولای، توتال با امضای قراردادی برای توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی با سرمایه‌گذاری مجموعا ۵ میلیارد دلار، اولین شرکت بزرگ انرژی غربی لقب گرفت که بعد از لغو تحریم‌ها اقدام به امضای قرارداد با ایران می‌کند.

در همان روزهایی که مدیرعامل توتال برای امضای قرارداد به ایران آمده بود، تاکید کرد: «توتال این افتخار را دارد که نخستین شرکت بزرگ بین‌المللی نفت و گاز باشد که پس از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با صنعت نفت ایران قرارداد امضا می‌کند.»

اما پس از آنکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در ماه گذشته میلادی از تایید پایبندی ایران به برجام امتناع کرد و به کنگره ۶۰ روز فرصت داد تا در مورد وضع مجدد تحریم‌ها علیه تهران تصمیم گیری نماید، آینده این پروژه با تردیدهایی مواجه شده است.

پاتریک پویان در نشستی در موسسه چتهم هاوس در لندن گفت، توتال فعلا به برنامه‌های خود برای توسعه فاز نخست فاز جنوبی که هزینه آن یک میلیارد دلار برآورد شده و انتشار مناقصه‌هایی برای کارهای خدماتی این پروژه ادامه می‌دهد.

تاکید روی واژه «فعلا» به خوبی نشان دهنده آن است که چشم توتال به دهان آمریکا دوخته شده است و هرگاه فرمان قطعی صادر شود تمام اظهارات فریبنده مدیرعامل این شرکت در مورد وفاداری به باد هوا بدل خواهد شد. هم او که از افق همکاری‌های ۲۰ساله و حتی بیشتر از آن سخن گفته بود. همان اظهاراتی که متاسفانه بسیاری را در ایران ذوق زده کرد چنانکه در حیطه روزنامه‌های زنجیره‌ای و سایت‌های همسو با آنها به تیترهای آنچنانی بدل شد.

ذوق‌زدگی بزک‌کنندگان برجام

«توتال به ایران آمد؛ بفرمائید گلابی برجام!»، «جام تازه برجام»، «طلسم سرمایه‌گذاری نفتی شکست»، «رنسانس صنعت نفت ایران»، «خونی تازه در رگ‌های صنعت نفت»، «سد نفتی شکست» و... نمونه‌هایی از تیترهای رسانه‌هایی است که تا پیش از آن (به قول مدیرمسئول روزنامه شرق) وظیفه بزک کردن برجام را به عهده داشتند.

در این میان البته تیترهایی نیز دیده می‌شد که در توصیف آن عبارتی مناسب‌تر از «مایه شرمساری» نمی‌توان یافت. تیترهایی که از اعتماد ۲۰ساله توتال به اقتصاد ایران سخن می‌گفتند. یعنی تا این حد جایگاه دو طرف در نظر این عده تغییر کرده است، چرا که این ایران است که باید به توتال اعتماد کند، چرا که همین شرکت نفتی پیش از این هم به ناگاه طرح‌هایی را نیمه کاره گذاشته و از ایران خارج شده بود. نکته تاسف‌آور آن است که چرا برخی مسئولین از گذشته درس عبرت نمی‌گیرند و آن را چراغی برای تشخیص راه درست در آینده قرار نمی‌دهند؟!

کم‌توجهی به پیمانکاران ایرانی

در همان ایام یک کارشناس حوزه انرژی ضمن حضور در برنامه «جهان آرا» در شبکه افق مطالب مهمی را بیان کرد که برخی از آنها پس از گذشت چند ماه ملموس‌تر و عینی‌تر شده است، که از آن جمله می‌توان به تبعیت شرکت توتال از سیاست‌های آمریکااشاره کرد.

«اصغر ابراهیمی اصل» در آن برنامه گفته بود: « فاز یک پارس جنوبی را شرکت پتروپارس آغاز کرد و فاز ۲ و ۳ را شرکت توتال. فازهای ۴ و ۵ را شرکت انی ایتالیا و فازهای ۷ و ۸ یا ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ تماماً توسط شرکت‌های ایرانی توسعه پیدا کرده بود.»

این موضوع نشان دهنده آن است که باز هم دولت می‌توانست به پیمانکاران ایرانی اعتماد کند تا در چاه بدعهدی و فریبکاری شرکت‌های اروپایی و آمریکایی گرفتار نشود. این کارشناس انرژی بااشاره به اینکه تمام این فازها کار مهندسی پایه‌اش توسط شرکت‌های بین‌المللی انجام شد و طراحی توسط شرکت‌های ایرانی، گفت: «بین ۲۵ تا ۶۵ درصد از تجهیزات مورد نیاز در این فازها نیز از شرکت‌های داخلی ایرانی تأمین شد.»

ماموریت توتال

این کارشناس حوزه انرژی در همان برنامه بااشاره به اینکه برای فاز ۱۲ نیز یک‌بار در سال ۷۹ قراردادی با شرکت توتال امضا شد، گفت: «در سال ۸۷ این شرکت و دیگر شرکت‌های خارجی که به ایران آمده بودند، کار را رها کردند و من معتقدم چرا باید با قراردادهای IPC به دنبال توسعه صنعت نفت رفت و چرا با قراردادهای بیع متقابل که قراردادهای بدی نبود و می‌شد آن را اصلاح کرد، به دنبال برگزاری مناقصه نرفتیم؟»

ابراهیمی اصل بااشاره به برگزاری جلسه‌ای که با نخست‌وزیر اسبق ایتالیا داشت، گفت: «وقتی که پس از ۲۷ روز تفاهم‌نامه‌های مطالعاتی فاز ۱۱ با شرکت توتال منعقد شد، با نخست‌وزیر اسبق ایتالیا جلسه داشتم و پرسیدم شما چرا برای توسعه فاز ۱۱ پیشقدم نشدید، گفت: شرکت توتال از آمریکا مجوز گرفت و آنها پیش رئیس‌جمهور آمریکا رفته بودند و رئیس‌جمهور آمریکا به شرکت توتال گفته بود که شما مأموریت خود را در گذشته به خوبی انجام داده‌اید و مجوز ورود مجدد به ایران را دارید.»

خبر ویژه

سقوط ۶ پله‌ای رتبه کسب و کار

وزیر اسبق بازرگانی می‌گوید رتبه جهانی ایران در زمینه کسب و کار، طی دو سال گذشته ۶ پله سقوط کرده و عمده علت آن سوء تدبیر است.

یحیی آل‌اسحاق (رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق) در گفت‌وگو با فرهیختگان اظهار داشت: اینکه ما دو سال پیش در رتبه ۱۱۸ قرار داشتیم و بعد به مرحله ۱۲۰ و امروز به رتبه ۱۲۴ رسیده‌ایم روند خوبی نیست. اصلا همان رتبه ۱۱۸ نیز رتبه خوبی نبود؛ یعنی ما در بین ۱۹۳ کشور رتبه ۱۱۸ گرفته‌ایم. مفهوم آن این است که هزینه‌های تولید ما بالا و امکان مانور و قدرت رقابت‌مان پایین آمده است.

وی می‌گوید: «این صورت مسئله پاسخ روشنی دارد؛ یک عامل آن مربوط به روابط بین‌الملل رقبای ماست، یعنی رقبای ما آزادی‌های عمل بیشتر و همراهی‌های گسترده‌تری دارند. برخورد سایر کشورها با آنها و شیوه سیاسی‌کاری‌ای که با آنها دارند مشابه برخوردشان با ما نیست؛ آنها تحریم ندارند ولی متاسفانه ما دچار تحریم هستیم. آنها روابط بانکی راحت‌تری دارند ولی ما روابط بانکی سختی با بسیاری از کشورها داریم.

وی در عین حال می‌افزاید: تنها ۳۰ درصد مشکل به تحریم‌ها مربوط می‌شود و ۵۰ درصد به عوامل داخلی و تدبیر مربوط می‌شود.

«نظام تدبیر ما باید با واقعیت‌های امروز اقتصاد همخوانی داشته باشد اما متاسفانه هنوز که هنوز است عمده اقتصاد ما دولتی مدیریت می‌شود.»

«ما بارها اعلام کرده‌ایم باید دولت سبک‌سازی شود اما در عمل به هیچ عنوان سبک‌سازی نمی‌شود. ما در حوزه‌های نظام بهره‌وری باید تولیدمان بهتر شود، در صورتی که ۵۰۰ میلیارد دلار دارایی‌های ما دولتی است، یعنی اگر حتی در حد دو درجه بهره‌وری ما بالاتر برود در حد ۵۰ میلیارد دلار سود درآمد نفتی کشور بالاتر می‌رود.»

آل‌اسحاق خاطرنشان کرد: «ما در فعالیت‌های اقتصادی انجماد دارایی‌ها را داریم. تنها ۵۰ درصد از دارایی‌های نظام بانکی ما منجمد شده است؛ یعنی در نظام بانکی و تسهیلاتی وقتی می‌خواهیم فعالیت کنیم ۵۰ درصد از دارایی‌های ما از حد انتفاع خارج است ولی کشورهای دیگر از هر یک ریال یا یک سنت خود بهترین استفاده را می‌کنند.»

آل‌اسحاق این را هم گفته که «یکی از شاخص‌های بهبود تصدی کسب و کار، تسهیل و شفاف شدن روابط بانکی است.

گزارش تلویزیون فرانسه از اتحاد راهبردی ایران و روسیه

تلویزیون فرانسه اعلام کرد مهم‌ترین دستاورد سفر رئیس‌جمهور روسیه به ایران، اتحاد راهبردی است.

شبکه پنج تلویزیون فرانسه در گزارشی که به سفر ولادیمیر پوتین به تهران اختصاص داشت، ضمن مهم ارزیابی کردن این سفر گفت: رئیس‌جمهور روسیه هفته گذشته برای شرکت در اجلاس سه‌جانبه ایران، روسیه، جمهوری آذربایجان به تهران رفت. وی در بدو سفر با آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر و حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران دیدار و گفت‌وگو کرد.

با اینکه گفته می‌شود این سفر به منظور گفت‌وگو میان سه کشور همسایه دریای خزر بر سر «هاب ترانزیتی ایران» انجام شده، اما به نظر می‌رسد دیدار رئیس‌جمهوری روسیه با مقامات عالی‌رتبه ایران بیشتر جنبه رایزنی درباره مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است.

پیروزی‌های پی‌درپی ارتش سوریه و ائتلاف علیه داعش موجب شکست این گروه و خروج آنها از بخش‌های زیادی از این کشور شده است.

شهر رقه، پایتخت خودخوانده داعش سقوط کرد و اکنون کانون درگیری‌ها به منطقه دیرالزور منتقل شده است که آن هم احتمالا به زودی از کنترل داعش خارج خواهد شد. از این رو به نظر می‌رسد جنگ داخلی سوریه روزهای واپسین خود را طی می‌کند. در نتیجه به نظر می‌رسد دیدار پوتین با مقامات عالی‌رتبه ایران در همین رابطه تفسیر شود. علاوه بر این آینده سیاسی و بازسازی اقتصاد سوریه نیز احتمالا یکی دیگر از رئوس گفت‌وگو میان دو طرف است.

برخلاف سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه تحت رهبری پوتین به سرعت در حال تبدیل شدن به یک قدرت اصلی در معادلات بین‌المللی است.

در سال‌های اخیر نقش‌آفرینی مسکو در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای به شدت افزایش یافته و برخلاف سال‌های نخست هزاره جدید حضور فعالی در عرصه بین‌المللی پیدا کرده است. به این منظور به نظر می‌رسد نقش ایران در منطقه حیاتی است. ایران به لحاظ موقعیت ژئوپولیتیک بر سایر کشورهای منطقه برتری دارد. جمعیت کشور به تنهایی از مجموع جمعیت کشورهای حاشیه خلیج فارس بیشتر است و تمام ساحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان در اختیار ایران قرار دارد. به اینها باید همسایگی با تنگه هرمز، مهم‌ترین محل انتقال عمده نفت جهان را افزود.

علاوه بر این، تهران نفوذ زیادی در سوریه و عراق دارد و یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینان در این دو کشور است.

این در حالیست که کشورهای حاشیه خلیج فارس، برخلاف ایران، نزدیکی به غرب و در راس آنها آمریکا را ترجیح می‌دهند. به همین دلیل به نظر می‌رسد که روسیه لاجرم باید همکاری‌های خود با ایران را افزایش دهد. چیزی که تهران نیز مایل به انجام آن است. همکاری موفق ایران و روسیه در سوریه نشان داد که حضور این دو کشور در کنار یکدیگر به تقویت موقعیت منطقه‌ای آنان می‌انجامد.

این پیروزی نقش روسیه را در منطقه به کلی دگرگون کرد و موقعیت آن را استحکامی کم‌سابقه بخشید. در مقابل، اتحاد با روسیه، ایران را در برابر تهدیدهای آمریکا و غرب تا حدی بیمه می‌کند.

اصرار عجیب زیباکلام به ماله‌کشی نقش انگلیس در اشغالگری اسرائیل

ماله‌کشی صادق زیباکلام به اشغالگری صهیونیست‌ها با وجود اسناد روشن تاریخی، صدای اعتراض روزنامه اصلاح‌طلب را هم درآورد.

روزنامه اعتماد با اشاره به صدمین سالگرد صدور اعلامیه بالفور نوشت: هزاران فلسطینی در همین پنجشنبه در شهر رام‌الله به مناسبت یکصدمین سالگرد صدور اعلامیه بالفور تظاهرات کردند. همزمان نخست‌وزیر انگلیس در جلسه پارلمان این کشور و در آستانه صدمین سال انتشار اعلامیه بالفور گفت «افتخار می‌کند کشورش نقشی در تشکیل رژیم صهیونیستی داشته است.»

با خواندن این خبر به یاد مواضع دکتر صادق زیباکلام درباره نقش نداشتن انگلیس در تولد اسرائیل افتادم. او در کتاب «تولد اسرائیل» سعی دارد نقش انگلیس را در ایجاد اسرائیل بسیار کمرنگ کند و در فصل آخر آن کتاب می‌نویسد: «از میان مجموعه عواملی که در فاصله ۱۸۹۷ تا ۱۹۴۸ تاثیرات مستقیم و موثری روی به وجود آمدن یک کشور مستقل یهودی در فلسطین گذارد از دو عامل باید نام برد: نفوذ یهودی‌ها در آمریکا و به روی کار آمدن نازی‌ها در آلمان. البته در ایران بسیاری به عکس، این نظر را داشته و معتقدند که مهم‌ترین عامل در به وجود آمدن کشور یهود، سیاست انگلستان بود؛ از سال ۱۹۱۷ به بعد یعنی از مقطعی که در جریان جنگ جهانی اول آن کشور توانست با شکست امپراتوری عثمانی، حاکمیت فلسطین را به دست گیرد. به زعم آنان از این مقطع بود که عملا تشکیل کشور اسرائیل رقم خورد. واضح است که این نظریه خیلی درست نیست.» در حالی که هم اسرائیلی‌ها و هم فلسطینی‌ها و هم انگلیسی‌ها و هم آمریکایی‌ها خوب می‌دانند که مهم‌ترین عامل تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین، انگلیس است ولی نمی‌دانم چرا آقای زیباکلام اصرار دارد نقش انگلیس را در ایجاد اسرائیل، فرعی جلوه دهد و حتی نادیده بگیرد؟

فلسطین در آن زمان تحت‌الحمایه انگلیس قرار داشت. اعلامیه بالفور که از آن به عنوان سرآغاز تاسیس دولت صهیونیستی اسرائیل در سرزمین فلسطین یاد می‌شود، در ۲ نوامبر ۱۹۱۷ خطاب به والتر روچیلد، نماینده یهودی عضو مجلس عوام انگلستان نوشته شد و طی آن بالفور، وزیر امور خارجه انگلیس نظر مساعد دولتش برای تشکیل دولتی یهودی در سرزمین فلسطین را اعلام کرد. از آن پس آنقدر ارتش انگلیس در فلسطین ماند تا مهاجرت یهودیان به فلسطین و توان مهاجران برای در اختیار گرفتن این سرزمین افزایش یابد. اسرائیلی‌ها ممنون انگلیسی‌ها هستند و کاری به تحلیل زیباکلام ندارند.

اعتراض سایت اصلاح‌طلب به سپنتا بازی افراطیون مدعی اصلاحات

پرداختن افراطیون مدعی اصلاحات و اعتدال به سوژه‌های حاشیه‌ای و پرت کردن حواس مردم از مسائل مهم کشور، صدای سایت اصلاح‌طلب را هم درآورد.

سایت خرداد نیوز در این زمینه در یادداشتی باعنوان «حاشیه‌های سیاسی برای فرار از مسائل اقتصادی؛ چالش‌های اقتصادی فراتر از منازعات دیرپای اقتصادی» نوشت: گاهی نیز برخی اتفاقات نشانه‌های ناخوشایندی از فرافکنی در راستای تشویش اذهان عمومی و انحراف از اتفاقات اصلی و به بیراه بردن افکار عمومی دارد که شاید تقویت‌کننده و تأییدکننده صحت‌گاه و بیگاه نظریه توهم توطئه باشد!

در همین رابطه مرور چند اتفاق این چند روز اخیر سپهر سیاسی شاید جالب توجه باشد، جایی که اتفاقات رخ داده نه موضوعیت و نه بار ارزشی نه اولویت زمانی نه هیچ شاخصه قابل توجهی دارند اما به یکباره به صدر مسائل روز سیاسی برکشیده شده و همه اذهان را به سمت و سوی خود جلب می‌کنند.

موضوع سپنتا از همین دست مسائل است، فارغ از اینکه دفاع از حقوق شهروندی از مرتبه و جایگاه بسیار بالایی برخوردار است، اینکه چنین موضوعی به یکباره به صدر مسائل روز سیاسی کشور کشیده می‌شود، جای تعجب بسیار دارد، در واقع فارغ از گزینه‌های فرامتنی حذف یا عدم حذف یک عضو منتخب شورای شهر یزد، هیچ اهمیت و نقش‌آفرینی بسزایی در فضای کلان سیاسی کشور نداشته و ندارد اما به یکباره به اولویت اصلی تبدیل می‌شود.

موضوع اصلی این روزها آنست که با کاهش قیمت نفت، عدم سرمایه‌گذاری خارجی در حد انتظار در دوران پسابرجام، چگونه اقتصاد ایران می‌بایست از زیر بار سنگینی دولت فربه نفتی که دیگر خبری از درآمدهای افسانه‌ای آن نیز نیست، رهایی یافته و از رکود اقتصادی با استفاده از بهره‌وری و سیاست‌های اقتصادی معطوف به داخل یا همان اقتصاد مقاومتی تبیینی خارج شود.

فارغ از این جنجال‌های گاه و بیگاه در فضای سیاسی، اهالی فن و کارشناسان خبره می‌دانند که دوران تازه‌ای پیش روی اقتصاد ایران گشوده شده، دورانی که نه فقط ایران که تمامی صادرکنندگان عمده نفت از جمله عربستان با آن روبه‌رو هستند، دورانی که درآمدهای بی‌حساب و کتاب و بریز و بپاش‌های مترتب با آن خبری نخواهد بود، دورانی که با توجه به فشارهای بین‌المللی که پیش روی ماست برای ایران گذر از آن با توجه به فقدان سرمایه‌گذاری خارجی سخت‌تر است، دورانی که باید تصمیمات شجاعانه و البته شاید هزینه‌ساز برای کوچک کردن دولت و کاستن از هزینه‌های زاید و مضاعف می‌بایست گرفت و...

البته اینها مسائل مهم و اصلی هستند که خواسته یا ناخواسته آنان را در هیاهوهای مسائل پیش‌پا افتاده سیاسی گم می‌کنیم، نکاتی که البته شاید در چند دهه گذشته موضوعیت پرداختن به آنها نیز وجود داشته اما این روزها بی‌گمان چالش‌های اقتصادی پیش‌رو مهم‌ترین دغدغه و مسئله روز در کشور ماست.

گفت و شنود

پدر نداشت!

گفت: سعد حریری در ریاض از نخست‌وزیری لبنان استعفاء داد!

گفتم: حالا چرا در ریاض! خب! صبر می‌کرد به لبنان برگردد و بعد استعفاء بدهد که دیگران متوجه اقدام حقیرانه او نشوند!

گفت: ای عوام! باید در ریاض استعفاء می‌داد که اولاً حسابی تحقیرآمیز باشد. ثانیاً؛ برای آل‌سعود در حال سقوط هم نیمچه آبرویی دست و پا کند که یعنی قدرت دخالت در کشورهای دیگر را دارد.

گفتم: ولی سعد حریری بعد از استعفاء همان حرف‌های مفت روز قبل نتانیاهو علیه ایران را به زبان آورد و نشان داد که ماجرا از صهیونیست‌ها ریشه می‌گیرد و آل‌سعود در این میان فقط نقش یک «سرایدار» را برعهده دارد!

گفت: یعنی آل‌سعود تا این اندازه خنگ و اجق‌وجق است؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! پدر یارو مرده بود، می‌خواستند کم‌کم متوجهش کنند که شوکه نشود. به او گفتند؛ پدرت دار فانی را وداع گفت. پرسید دار فانی دیگر چه داری است؟ گفتند؛ یعنی به رحمت ایزدی پیوست، پرسید؛ رحمت ایزدی کیست؟... بالاخره گفتند پدر الاغت مرد! یارو گفت؛ دیدی گفتم اشتباه می‌کنید، الاغ من از اول یتیم بود و پدر نداشت!

نکته

از عبری به عربی!

استعفای سعد حریری از نخست‌وزیری لبنان که به گونه‌ای حقارت‌آمیز و بعد از ملاقات با ملک سلمان، پادشاه آل‌سعود در ریاض صورت پذیرفت یادآور ماجرای مشابه دیگری است که در صدر اسلام اتفاق افتاده و در کلام خدای سبحان آمده است. نگارنده ۱۴ سال قبل - ۹ آذرماه ۸۲ - ماجرای یاد شده را در یکی از یادداشت‌های کیهان، با عنوان «آن دوازده مرد خبیث» آورده بود که اشاره به آن اگرچه حدیث مکرر است ولی ملال‌آور نیست که وصف حال است. در بخشی از آن یادداشت آمده بود:

«بزرگان یهود آنها را با دقت از میان یهودیان انتخاب کرده و برای انجام یک مأموریت ویژه آموزش داده بودند. قرار بود این دوازده نفر به هنگام صبح نزد رسول خدا(ص) بروند و ادعا کنند که به او ایمان آورده و اسلام را پذیرفته‌اند و در پایان همان روز، کفر ورزیده و خروج خود از اسلام را فریاد بزنند. بزرگان بنی‌اسرائیل امیدوار بودند در پی این ترفند مشروعیت نظام اسلامی و حقانیت رسول خدا(ص) زیر سؤال برود و مسلمانان - یا حداقل برخی از آنان - دست از اسلام بردارند و سلطه سرمایه‌داران یهود که با قدرت گرفتن اسلام به خطر افتاده بود از آسیب در امان بماند. خدای سبحان درباره «ورود» نمایشی این عده و امثال آنها به جرگه اسلام که از ابتدا برای «خروج» از اسلام طراحی شده بود، می‌فرماید؛ «و طایفه‌ای از اهل کتاب - به یاران خود - گفتند، در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شده است ایمان آورید و چون روز به آخر رسید، کفر بورزید و از اسلام خارج شوید، شاید - با این ترفند - مسلمانان نیز از اسلام دست بردارند» سوره مبارکه آل عمران - آیه۷۲.

در عرف سیاسی استعفای سعد حریری در ریاض یک اقدام حقیرانه است و او چنانچه قصد استعفا داشت می‌توانست بعد از بازگشت به لبنان استعفای خود را اعلام کند چرا که اعلام استعفا بعد از ملاقات با ملک سلمان و محمد بن سلمان به وضوح حامل این پیام است که استعفای سعد حریری از جانب سعودی‌ها به وی دیکته شده است. آیا نخست‌وزیر لبنان از تحقیر شخصیت سیاسی خویش در این ماجرا بی‌خبر بوده است؟! جایگاه او به عنوان یک رجل سیاسی زمینه‌ای برای پذیرش این احتمال باقی نمی‌گذارد. این گمانه هم قابل قبول نیست که تصمیم به استعفا در سفر ریاض گرفته شده باشد، چرا که سعد حریری به یقین از پیامدهای تصمیم خود با خبر بوده است و در صورت پیشنهاد آل‌سعود به استعفا، ابتدایی‌ترین انتظار این بود که برای اتخاذ این تصمیم زمان بخواهد! همه این شواهد به وضوح حکایت از آن دارند که استعفای سعد حریری از قبل برنامه‌ریزی شده بود و سفر او به عربستان تنها برای اعلام استعفای خویش بوده است. یعنی دقیقا همان نقشی که آن دوازده مرد خبیث در صدر اسلام با طراحی دشمنان اسلام (یهودیان آن زمان و اسرائیل این دوران) بر عهده گرفته و صد البته ناکام مانده بودند.

سعد حریری بعد از اعلام استعفای خویش از نخست‌وزیری لبنان، اظهارات سخیف و کینه‌توزانه‌ای علیه ایران اسلامی بر زبان آورد که مراجعه به اظهارات روز قبل نتانیاهو نشان می‌دهد فقط یاوه‌های او را از زبان عبری به عربی ترجمه کرده است!

گفتنی است که صهیونیست‌ها با بهره‌گیری زودهنگام از این مهره خود، خدمت بزرگی به جبهه مقاومت کرده‌اند چرا که یکی از مهره‌های نفوذی را به میدان آورده، سوزانده و دود کرده و به هوا فرستاده‌اند...

و امام بزرگوارمان حضرت سجاد علیه‌السلام خداوند سبحان را به خاطر حماقت دشمنان اسلام شکر می‌کردند.

حسین شریعتمداری

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* تقویت شرایطی که در روابط میان کشورهای همسایه ایران شکل گرفته می‌تواند آمریکا را در غرب آسیا منزوی‌تر از گذشته کند اما سنگ‌اندازی و چاپلوسی غرب‌زدگان مانعی است که قوه قضاییه باید با تصمیمی انقلابی و قانونی آن را برطرف سازد.

۰۲۱---۳۱۵۲

* آقای ظریف وزیر محترم خارجه می‌گویند دنیا به حرف‌های ترامپ توجه نمی‌کند. اگر چنین است پس چرا برجام جواب نداده و آمریکا توانسته خواسته‌های ایران در این توافق را به دلخواه خودش خنثی کند؟

۰۹۱۳---۴۵۱۳

* کاش آقای ظریف تعداد تحریم‌های جدید آمریکا را در پسابرجام اعلام کند و مجلس و دولت هم اقدام‌های متقابل در برابر تحریم‌ها را به طور شفاف اطلاع‌رسانی کند، آن وقت کفه ترازو مشخص می‌کند که برجام برای کدام سمت سودآورتر بوده است، ایران یا ۱+۵؟

میهنی

* تجربه تلخ دولت در مذاکره با آمریکا آنقدر نمایان شد که آقای روحانی پذیرش درخواست آمریکا برای مذاکره با کره‌شمالی را دیوانگی دانستند. امیدوارم این تجربه باعث اصلاح مسیر شود و به آلزایمر سیاسی بعضی افراد دچار نشود.

دکتر طوسی‌زاده

* چرا بعد از ۴ سال از شعار اقتصاد مقاومتی در دولت هنوز وابسته به نفت و دلار هستیم؟ کدام اقدام در طی این مدت برای خارج شدن از وابستگی در اقتصاد کشور صورت گرفت؟

۰۲۱---۶۷۱۱

* چرا به جای شوق واردات از خارج برنامه‌ای از صدور کالا، فرهنگ و... در دستور کار مسئولان اجرایی قرار ندارد؟ درحالی که هم اقتصادی و سودآور و هم تشویق به شناخت فرهنگ ایران اسلامی به خارج است.

رمضانی

* امتیاز برجام مشخص است و می‌توان از سطح قابل توجه واردات کالاهای مصرفی اروپایی به ایران به قیمت سرکوب تولید داخلی، آن را فهمید! اما سهم صادرات ایران کاهشی بی‌سابقه را تجربه می‌کند، پس در برجام گلی که نزدیم هیچ، ده‌ها گل هم خوردیم!

۰۹۳۸---۷۷۷۲

* تمام ظرفیت‌های کشور فریز شده است و تنها راه خلاصی از این بن‌بست بازگشت به راه امام راحل، رهبری معظم و آرمان‌های انقلاب است.

۰۹۱۲---۹۴۵۲

* مردم همواره می‌دانستند که تنها راه مقابله با تحریم‌های دشمن عزم ملی و اراده جهادی است. بدین خاطر که تاریخ معاصر خیانت‌ها و توطئه‌های کشورهای مدعی جامعه جهانی را به‌خصوص در ۸ سال جنگ تحمیلی و اعمال تحریم‌های ظالمانه را فراموش نکرده بودند. واقعاً چگونه برخی مذاکره با مستکبران را پیشنهاد می‌کردند که حالا در قافیه‌اش بمانند؟

۰۹۳۸---۰۷۶۴

* سپاه چون با تروریست‌ها مبارزه می‌کند و مجال کدخدایی کردن را از آمریکا در منطقه گرفته است، طوری که ملت‌های منطقه دلیلی برای حضور آمریکا به کشورها و آب‌های منطقه نمی‌بینند، باعث خشم دشمن شده است.

نامجو

* منتقدان برجام همان روزهای قبل از امضای توافق هسته‌ای گفته بودند که اعتماد به شیطان بزرگ یا دیوانگی است و یا خیانت به خون شهدا و آزادی‌خواهان جهان.

۰۹۱۰---۱۲۱۰

* صدا و سیما باید مستندی از زمان آغاز مذاکرات هسته‌ای و مواضع وزارت امور خارجه در مورد تحقق و امضای برجام را در کنار اظهارات جدید آنان درباره بدحالی کنونی آن به‌خصوص از زبان آقایان ظریف و عراقچی، پخش کند.

۰۲۱---۹۱۲۱

* بعضی‌ها معتقدند که بارزانی عجولانه استقلال کردستان را اعلام کرد ولی نظر بنده این است که ایشان حساب شده دست به این کار زد ولی آمریکایی‌ها برخلاف وعده‌هایی که به او داده بودند پشت عامل خود را خالی کردند و حاضر نشدند خود را به خطر بیندازند.

۰۹۳۶---۶۲۱۰

* برخی از شهروندانی که با سامانه ۱۸۱۸ اقدام به پرداخت پول برق شهریورماه خود کرده‌اند مجدداً در قبض مهرماه آنان به عنوان بدهی محاسبه و درج شده است. با این وضع مردم چگونه به دولت الکترونیک اعتماد نشان بدهند.

۰۹۳۵---۶۸۰۵

* کارگری هستم که حتی بیمه خدمات درمانی ندارم ولی یارانه‌ام را قطع کرده‌اند؟ با چه مبنایی دهک‌ها را می‌سنجند؟

۰۹۱۰---۱۱۳۹

* مطالبات کشاورزان هفت‌تپه و شوش را پرداخت نکرده‌اند و برخی از طلبکاران بیش از ۲ سال است که پولی دریافت نکرده‌اند. آیا نهادی نیست تا حق و حقوق کشاورزان را از نیشکر هفت‌تپه بگیرد؟ پس چرا قانون با متخلفان برخورد جدی نمی‌کند.

۰۶۱---۵۲۶۵

* به دلیل عدم اطلاع از بدهی هفت‌هزار و سیصد تومان آب مصرفی مغازه، با اطلاعیه‌ای که برخی خطوط آن با قلم قرمز رنگی شده مواجه شدم که اگر ظرف امروز (۹۶/۸/۹) پرداخت نکنید آب شما قطع می‌شود؟! به نظرم کاغذ به کار رفته و خودکارهای رنگی و مأمور تحویل این اخطار هزینه‌ای چند برابر آب مصرفی به سازمان آبفا تحمیل نموده است! ای کاش برای تمامی بدهی‌ها به ویژه بدهی‌های معوق میلیاردرهای ذی‌نفوذ نیز چنین اقدامی صورت می‌گرفت!

علیجانی - مغازه‌دار خیابان ۱۷ شهریور

* به جای نصب اطلاعیه مجازات شلاق برای ارباب رجوع در ادارات در صورت بی‌احترامی به کارمندان! ضروری است تیمی در هر اداره وظیفه رسیدگی فوری به مشکلات مردم و مقابله با سرگردانی‌ها، رشوه، بی‌کفایتی‌ها، کم‌کاری‌ها و... برخی از قلیل کارکنان متجاهر و... را برعهده بگیرد تا جلوی نارضایتی مردم گرفته شود.

همدانی

* هر دولتی که آمد به مردم ورامین قول راه‌اندازی خط ریلی تهران - ورامین را داد. سرگذشت این خط ریلی تا کی قرار است به وعده سرخرمن مسئولان ادوار مختلف خلاصه شود؟

۰۹۱۹---۱۴۴۲

* اتوبوس مسیر پرند-شاهد با تأخیر زیادی حرکت می‌کند و زمان حرکت را هنگام پر شدن ظرفیت اتوبوس اعلام می‌کنند که گاهی ۲ ساعت طول می‌کشد! از مسئولین تقاضای رسیدگی دارم.

۰۲۱---۸۳۳۱

توصیه کیسینجر به ترامپ:

ایران نباید از مزایای برجام بهره‌مند شود باید همزمان تحریم‌های جدید اعمال گردد تا پیوسته درگیر باشد

یک نشریه آمریکایی در مطلبی نوشت:«هنری کیسینجر» به «ترامپ» تاکید کرده که به هیچ‌وجه اجازه داده نشود که ایران از مزایای برجام بهره‌مند شود و در عین حال، تحریم‌های جدید علیه این کشور اعمال گردد تا پیوسته درگیر باشد.

نشریه «آمریکن هرالد تریبیون» در گزارشی نوشت: «هنری کیسینجر» به «ترامپ» تاکید کرده که بهترین راه برای کنترل نفوذ و قدرت‌گیری ایران در منطقه این است که به هیچ‌وجه اجازه داده نشود که ایران از مزایای برجام -همچون مسائل تجاری و اقتصادی- بهره‌مند شود و در عین حال، تحریم‌های جدید علیه این کشور اعمال گردد تا پیوسته درگیر باشد.

در ادامه گزارش آمده است: این واقعیت دارد که تحریم‌های جدید، سخت‌تر و سنگین‌تر از تحریم‌های دوره‌های گذشته است.

به گزارش مشرق، آمریکن هرالد تریبیون افزود: شدت تحریم‌های آمریکا بیشتر خواهد شد؛ هر چند که این تحریم‌ها تا بدین لحظه نتوانسته ایران را از خواسته‌های منطقه‌ای و داخلی‌اش منصرف سازد. آنطور که از مواضع مستحکم مقامات ایرانی پیداست، بعید به نظر می‌رسد که تحریم‌های آمریکا علیه تهران و حزب‌الله بتواند -به زعم آمریکایی‌ها- کمر آنها را بشکند و تسلیم‌شان نماید.

همراهی اروپا و آمریکا

گروه اطلاعاتی «سوفان» در گزارشی نوشت: دولت‌های اروپایی از تقابل آشکار با دولت آمریکا بر سر ایران اجتناب می‌کنند.

در ادامه گزارش آمده است: مقام‌های اروپایی برای اجتناب از تقابل آشکار با دولت ترامپ تلاش می‌کنند با پیشنهاد مذاکرات جدید بر سر برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران، نگرانی‌های رئیس‌جمهور آمریکا را مرتفع کنند.

مطابق این گزارش، از زمان اعلام راهبرد دولت ترامپ در قبال ایران، مقام‌های ارشد دولت‌های انگلیس، فرانسه و آلمان بارها اظهاراتی درباره همکاری با واشنگتن جهت محدود کردن برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران مطرح کرده‌اند.

در گزارش مرکز سوفان آمده است: بسیاری از کارشناسان معتقدند واقع‌بینانه‌ترین زمینه برای آغاز کردن باب گفت‌وگو با ایران، تلاش برای رسیدن به توافقی الزام‌آور در زمینه ممنوعیت ساخت موشک‌بالستیک قاره‌پیما توسط ایران، یعنی موشکی با برد دست‌کم ۳۰۰۰ مایل، خواهد بود.

مذاکره موشکی!

«ریچارد نفیو» عضو سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا که از او به عنوان یکی از معماران تحریم‌ها علیه ایران یاد می‌شود در یادداشتی پیشنهاد کرده آمریکا از راهبردی دو وجهی، متشکل از امتیازها و تنبیه‌ها (معروف به راهبرد چماق و هویج) برای مذاکره بر سر برنامه موشکی ایران استفاده کند.

نفیو در یادداشتی در مجله «فارن‌افرز» نوشت: به منظور ترغیب ایران برای مذاکره بر سر برنامه موشک‌های بالستیک آمریکا بایستی راهبردی دو وجهی دنبال کند: اول، واشنگتن بایستی برای کند کردن و مهار پیشرفت برنامه موشکی ایران از تدابیری مانند تحریم‌های اقتصادی استفاده کند و دوم، بایستی به دنبال مذاکره با ایران بر سر توافقی جهت تسهیل کنترل تسلیحاتی باشد.

وی خاطرنشان کرده توافق بر سر برنامه موشکی ایران می‌تواند با مذاکره درخصوص محدودیت‌هایی بر سر برد و وزن کلاهک‌های موشک‌های ایران آغاز شود.